

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال ششم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۳

راهبردهای بیان مخالفت در بین دانشجویان دختر و پسر

سیدمحمد حسینی^۱

مجید عامریان^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱

تاریخ تصویب: ۹۱/۱۲/۲۰

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی راهبردهای کاروجه در میان دانشجویان دختر و پسر هنگام بیان کارگفت مخالفت می‌پردازد. ۲۸۰ دقیقه گفتگو و بحث گروهی دانشجویان در کلاس ضبط و موارد مخالفت بین آنها به تفکیک جنسیت مخالفت‌کننده و مخالفت‌شونده استخراج و راهبردهای استفاده‌شده در چارچوب نظریه ادب براون و لوینسن (۱۹۸۷) و طبقه‌بندی ریز-میلر از راهبردهای مخالفت (ریز-میلر، ۲۰۰۰) دسته‌بندی گردید. نتایج حاصل از بررسی کمی و کیفی داده‌ها نشان‌دهنده تأثیر عامل جنسیت بر چگونگی استفاده از

^۱ مربی و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه اراک، m-hoseini@araku.ac.ir

^۲ استادیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه اراک، m-amerian@araku.ac.ir

راهبردهای مخالفت است بدین گونه که به طور کلی پسران بیش از دختران مخالفت نمودند و ستیزه‌جوتر از دختران بودند. در مخالفت با هم‌جنس، دختران کمتر و پسران بیشتر با هم‌جنس خود مخالفت نمودند، اما در مخالفت با جنس مخالف تنها در یک مورد تفاوت بین دختران و پسران معنادار بود: پسران از راهبردهای تشدید مخالفت بیش از دختران استفاده نمودند. هم‌چنین، دختران توجه بیشتری به جنس مخاطب نشان دادند.

واژه‌های کلیدی: وجهه، کاروجهه، کارگفت، مخالفت،

جنس /جنسیت

۱. مقدمه و تعریف مسئله

هدف از تحقیق حاضر، توصیف و تحلیل راهبردهای کاروجهه^۱ در میان دختران و پسران دانشجو هنگام بیان کارگفت^۲ مخالفت است. به عبارت دقیق‌تر، برآنیم بدانیم هنگامی که دختران و پسران دانشجو در جلسات بحث گروهی تصمیم به ابراز نظر مخالف می‌گیرند، در صورت استفاده از راهبردهای زبانی کاروجهه، از کدام راهبردها استفاده می‌کنند و این که آیا تفاوتی در بسامد استفاده از این ابزارها در میان دختران و پسران دانشجو وجود دارد یا خیر. هم‌چنین، برآنیم بدانیم آیا جنس مخاطب تأثیری بر انتخاب راهبردهای کاروجهه دارد یا خیر. در ادامه، ابتدا به ارائه تعاریف و معرفی چارچوب نظری تحقیق پرداخته و هم‌زمان پیشینه تحقیقاتی مرتبط را مرور خواهیم نمود. سپس روش تحقیق و نحوه گردآوری و تحلیل داده‌ها ارائه خواهد گردید. در بخش ۴ به ارائه یافته‌ها و تحلیل کمی و کیفی آنها در چارچوب نظری انتخاب‌شده و در بخش ۵ به ارائه نتایج و جمع‌بندی تحقیق خواهیم پرداخت.

¹ facework

² speech act

۲. تعاریف و پیشینه نظری

۲.۱. وجهه

مطالعه وجهه^۱ در جامعه‌شناسی با تحقیقات گافمن^۲ (۱۹۶۷) آغاز شد اما در زبان‌شناسی، با نظریه ادب براون و لوینسن (۱۹۸۷/۱۹۷۸) معرفی و مطرح گردید. براون و لوینسن^۳ (۱۹۸۷) ادب زبانی را مجموعه‌ای از راهبردها برای حفظ وجهه شنونده از سوی گوینده می‌دانند و وجهه را «خودانگاره عمومی‌ای که هر عضو جامعه برای خود قائل است» تعریف می‌نمایند. وجهه نوعی خواست است که می‌تواند حفظ شود، ارتقا یابد و یا تهدید گردد و، از همین رو، باید مدام مورد توجه قرار گیرد. به‌طور کلی، افراد در تعامل‌های عادی روزمره در حفظ وجهه یکدیگر با هم همکاری می‌کنند چرا که حفظ وجهه هر کس، وابسته به حفظ وجهه دیگری است و انتظار می‌رود فرد در برابر تهدید وجهه‌اش واکنش نشان دهد. در نتیجه، افراد حاضر در هر تعامل می‌کوشند نشان دهند که به وجهه-خواست^۴ شنونده آگاهی دارند و به آن احترام می‌گذارند. در نظر براون و لوینسن، هر فرد در اجتماع واجد دو نوع وجهه است: وجهه سلبی^۵ که عبارت است از قلمروی شخصی و میل فرد به استقلال و آزادی عمل در اجتماع، بیزاری از تحمیل، و احترام به احساسات و خواسته‌هایش؛ و وجهه ایجابی^۶ میل به تأیید شدن، دوست داشته شدن و پذیرفته شدن به‌عنوان عضوی از گروه و جامعه است. این دو نوع وجهه، خواست یا نیاز پایه‌ای است که هر عضو عاقل و بالغ جامعه به آنها در خود و دیگری توجه دارد و خواهان احترام دیگران به آنها است. اما تعامل‌های روزمره به گونه‌ای است که خواست‌های افراد، خواسته یا ناخواسته، در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرد و افراد کنش‌هایی انجام می‌دهند که وجهه دیگران را تهدید می‌نماید. به این گونه کنش‌ها «کنش‌های تهدیدگر وجهه^۷» می‌گویند. به

¹ face

² Goffman

³ Brown & Levinson

⁴ facewant

⁵ negative face

⁶ positive face

⁷ Face Threatening Act (FTA)

مجموعه راهبردهایی که نشان‌دهنده توجه گوینده به وجهه خواستِ شنونده هنگام بیان کنش تهدیدگر وجهه است، کاروجه می‌گویند.

۲.۲. مخالفت

«مخالفت»، کارگفتی است نامرّجح^۱ (لویسن، ۱۹۸۳: ۳۰۸) که وجهه ایجابی مخاطب را تهدید می‌کند زیرا بیانگر عدم تأیید نظر او و به این معنا است که «گوینده فکر می‌کند شنونده در اشتباه است، به بیراهه رفته یا نظراتش در مورد موضوع خاصی غیرعقلانی است» (براون و لویسن، ۱۹۸۷: ۶۶). این کنش در رویکردهای گوناگون زبان‌شناسی بررسی شده که از آن میان به تحلیل مکالمه^۲ (گنورگا کوپولو^۳، ۲۰۰۱؛ کاکاوا^۴، ۲۰۰۲؛ کانگاشارجو^۵، ۲۰۰۲؛ هریتج^۶، ۲۰۰۲؛ کلیمن^۷، ۲۰۰۲؛ هابز^۸، ۲۰۰۳؛ ادسترام^۹، ۲۰۰۴)، مدل ادب براون و لویسن (۱۹۸۷) (ریز-میلر^{۱۰}، ۲۰۰۰؛ حسینی، ۱۳۸۸)، رویکرد گفتمان‌مدار^{۱۱} به ادب (لوخر^{۱۲}، ۲۰۰۴)، تحلیل گفتمان (گه‌یر^{۱۳}، ۲۰۰۸) و قوم‌نگاری ارتباط^{۱۴} (حبیب^{۱۵}، ۲۰۰۸) می‌توان اشاره نمود.

در مدل براون و لویسن، دو راهبرد از راهبردهای حفظ وجهه ایجابی در مورد مخالفت است: راهبرد پنجم دعوت به موافقت می‌کند (در پی موافقت باش) و راهبرد ششم به اجتناب از مخالفت فرامی‌خواند (از مخالفت پرهیز). موافقت با انتخاب موضوع‌های بی‌دردسر و تکرار قابل حصول است و اجتناب از مخالفت با تظاهر به موافقت، موافقت صوری، دروغ مصلحتی و تخفیف شدت مخالفت حاصل می‌گردد (براون و لویسن،

¹ dispreferred

² conversation analysis

³ Georgakopoulou

⁴ Kakava

⁵ Kangasharju

⁶ Heritage

⁷ Clayman

⁸ Hobbs

⁹ Edstrom

¹⁰ Rees-Miller

¹¹ discursive approach

¹² Locher

¹³ Geyer

¹⁴ ethnography of communication

¹⁵ Habib

۱۹۸۷: ۱۱۷-۱۱۲). در نظریهٔ ادب لیچ^۱ (۱۹۸۳، ۲۰۰۷) یکی از شرط‌ها «شرط موافقت» است: «مخالفت بین خود و دیگری را کاهش» و «موافقت بین خود و دیگری را افزایش» بده (لیچ، ۱۹۸۳: ۱۳۲). وی تصریح می‌کند که موافقت معمولاً به صورت اغراق آمیز بیان می‌شود و «مخالفت با ابراز تأسف، موافقت محدود و امثالهم تعدیل می‌شود» (همان: ۱۳۸). بیبی و تاکاهاشی^۲ (۱۹۸۹) در رویکردی معناشناختی و در تلاش برای بررسی «مؤلفه‌های معنایی»^۳ مخالفت، به مخالفت صریح، انتقاد یا ارزیابی منفی، پرسش، پیشنهاد جایگزین، تشکر، نظر مثبت و موافقت صوری به‌عنوان «فرمول‌های معنایی» مخالفت اشاره می‌کنند.

ریز-میلر (۲۰۰۰) برای بررسی راهبردهای مخالفت از چارچوب پیشنهادی براون و لوینسن استفاده می‌کند اما راهبردهای جایگزینی پیشنهاد می‌دهد که شناسایی آنها عمدتاً مبتنی بر شکل ساختاری است. این راهبردها تفاوت ماهوی با راهبردهای براون و لوینسن ندارند و فقط از نکات مبهم راهبردهای عمدتاً مبتنی بر معنای براون و لوینسن (واتس^۴، ۲۰۰۳) اجتناب شده و کوشش شده قابل‌شناسایی‌تر و بدون ابهام باشند. ریز-میلر (۲۰۰۰) نشانگرهای زبانی مخالفت را به سه دسته تقسیم می‌کند: (الف) مخالفتی که در بیان آن ابزارهای زبانی‌ای به کار رفته که از شدت مخالفت می‌کاهند و آن را مخالفت «تعدیل شده»^۵ می‌نامند. نشانگرهای این دسته خود بر پایهٔ مدل براون و لوینسن به دو گروه نشانگرهای حفظ وجههٔ ایجابی و نشانگرهای حفظ وجههٔ سلبی تقسیم می‌گردد. (ب) در «مخالفت تشدیدشده»^۶ از نشانگرهایی استفاده می‌شود که شدت مخالفت را تشدید می‌نمایند، مثل پرسش انکاری، خطاب امری یا اتهام آمیز، و به کارگیری واژگان قضاوت آمیز. (ج) در «مخالفتی که نه تعدیل شده و نه تشدید»^۷، از هیچ راهبردی برای تعدیل یا تشدید مخالفت استفاده نمی‌شود. در تحقیق حاضر، از دسته‌بندی ریز-میلر (۲۰۰۰) استفاده شده و ریز انواع راهبردهای هر دسته در ضمیمهٔ ۱ آمده است.

¹ Leech

² Beebe & Takahashi

³ semantic components

⁴ Watts

⁵ softened

⁶ aggravated

⁷ neither softened nor aggravated

۳.۲. جنسیت

مطالعه جنسیت، به عنوان عاملی که بر زبان افراد تأثیر می‌گذارد، در دهه ۷۰ میلادی با انتشار کتاب لیکاف^۱ (۱۹۷۵) با عنوان *زبان و جایگاه زن* شکل جدی به خود گرفت. لیکاف با اشاره به برخی ویژگی‌های زبان زنان، مثل استفاده از جمله‌های پرسشی ضمیمه^۲، آهنگ پرسشی در جملات خبری، بسامد بالاتر استفاده از تعدیلگرها، تشدیدگرهای بی‌معنا و عدم صراحت، استدلال می‌کند که زبانی که زنان به کار می‌برند، زبان صمیمیت و دوستی است ولی زبان مردان، با پیروی از شرط‌های مکالمه گرایس^۳ (گرایس، ۱۹۶۹، ۱۹۷۵)، صریح‌تر از زبان زنان است. به همین دلیل است که وقتی زنان در جمع‌های مختلط و در محیط‌های اجتماعی صحبت می‌کنند، کمتر جدی گرفته می‌شوند. به دلیل همین تفاوت‌ها، زبان زنان زبانی سلطه‌پذیر و فرودست است و زبان مردان زبان قدرت و سلطه. رویکرد لیکاف به تفاوت‌های گفتار زنان و مردان، منجر به شکل‌گیری دو رویکرد مختلف و گاهی مخالف شد با نام‌های «تفاوت^۴» و «سلطه^۵». به نظر باورمندان به رویکرد تفاوت، فرق‌گفتمان زنان و مردان از نوع تفاوت گفتمان افراد متعلق به دو فرهنگ متفاوت است. زنان و مردان فرایند اجتماعی شدن را در گروه‌های هم‌جنس طی می‌کنند و، به همین دلیل، متعلق به دو فرهنگ مختلف هستند و هر یک گونه‌ی زبانی مخصوص به خود را دارد (تانن^۶، ۱۹۸۴، ۱۹۸۶، ۱۹۹۰، ۱۹۹۴). هلمز^۷ (۱۹۹۵) در پژوهش‌های خود بر روی گفتار زنان و مردان، به ویژه با تأکید بر ادب، نتیجه می‌گیرد که «زنان مؤدب‌تر از مردان هستند» (هلمز، ۱۹۹۵: ۱) و بیشتر از ابزارهای ادب ایجابی، که نشانگر میل به پذیرفته شدن در اجتماع و صمیمیت است، استفاده می‌نمایند (همان: ۶؛ تانن، ۱۹۸۴ و ۱۹۸۶). معتقدان به رویکرد سلطه نیز، ضمن تأیید وجود تفاوت در گفتار زنان و مردان، بر این باورند که این تفاوت‌ها معلول

^۱ Lakoff

^۲ tag questions

^۳ Grice

^۴ difference

^۵ dominance

^۶ Tannen

^۷ Holmes

سلطه مردان بر زنان است و به تداوم این سلطه دامن می‌زند (اسپندر^۱، ۱۹۸۰، ۱۹۹۸؛ اِکرت و مک کانل-ژینه^۲، ۱۹۹۲، ۲۰۰۳).

کامرون^۳ (۲۰۰۵) دو رویکرد سلطه و تفاوت را به دلیل شباهت‌هایی که در اصول نظری و روش کار خود دارند، رویکردهای «مدرن» می‌نامد و در مقابل رویکردهایی قرار می‌دهد که از آنها با عنوان «پسامدرن» یاد می‌کند. در رویکردهای پسامدرن توجه بیشتر به تنوع و گوناگونی‌ای معطوف است که در بین خود زنان و مردان وجود دارد نه بر تفاوت‌های بین زنان و مردان به‌عنوان دو گروه همگن و یکدست. به عبارت دیگر، «جنسیت نه بین گروه مردان و گروه زنان به‌عنوان گروه‌های همگن، بلکه در تفاوت‌های بین خود زنان و خود مردان اعمال^۴ و جستجو می‌شود» (اِکرت، ۲۰۰۴: ۱۶۵). در این رویکرد بین جنس زیستی^۵ و جنسیت^۶ تمایز گذاشته می‌شود. جنس زیستی مربوط به فیزیولوژی و وجود اندام‌های جنسی مردانه و زنانه است اما جنسیت، ساختی است اجتماعی و زاده آن. به دیگر بیان، افراد مؤنث یا مذکر به دنیا می‌آیند اما وجود ویژگی‌های زنانه یا مردانه، در گفتار یا رفتارشان در جامعه شکل می‌گیرد و از عناصر سازنده هویت آنان است (اِکرت و مک-کانل-ژینه، ۱۹۹۲، ۲۰۰۳). میلز^۷ (۲۰۰۳) نیز ضمن نقد رویکرد تفاوت، معتقد است که گفتمان زنان و مردان را می‌توان بدون برجسب‌زنی و این پیش‌فرض که زنان مؤدب‌تر از مردان هستند، بررسی نمود (میلز، ۲۰۰۳: ۲۲۶) و بر این باور است که رفتار کلامی زنان و مردان را باید در درون «اجتماع عمل^۸» یعنی «مجموعه‌ای از افراد که برای انجام یک کار و اقدام مشترک گرد هم جمع می‌شوند» بررسی نمود (همان: ۲۳۵؛ میلز، ۲۰۰۵؛ اِکرت و مک کانل-ژینه، ۱۹۹۲ و ۲۰۰۳؛ کریستی^۹، ۲۰۰۰؛ اوچیدا^{۱۰}، ۱۹۹۲، ۱۹۹۸؛ براون، ۱۹۹۳؛ فیشمن^{۱۱}، ۱۹۸۰، ۱۹۹۸).

¹ Spender

² Eckert & McConnell-Ginet

³ Cameron

⁴ performed

⁵ sex

⁶ gender

⁷ Mills

⁸ community of practice

⁹ Christie

¹⁰ Uchida

¹¹ Fishman

در تحقیق حاضر به دلیل ماهیت آماری کار، بین جنس و جنسیت تمایزی قائل نشده‌ایم و منظور از جنسیت، جنس بیولوژیکی است.

در زبان فارسی، تحقیقات فراوانی بر روی تأثیر جنسیت بر روی زبان مردان و زنان انجام شده است. از این جمله است کشاورز (۱۳۷۱)، امام (۱۳۷۴)، پاک‌نهاد جبروتی (۱۳۸۱)، جان‌نژاد (۱۳۸۱)، هدایت (۱۳۸۴)، نوشین (۱۳۸۶)، زاهدی، عشایری و رحیم‌زاده (۱۳۸۷)، استاجی و اخلاقی (۱۳۸۹) و رهبر، محمودی بختیاری و کریم‌خانلویی (۱۳۹۱) برای مشاهده فهرست نسبتاً کاملی از پایان‌نامه‌های مربوط به این حوزه نک: داوری اردکانی و عیار (۱۳۸۷)). اما تاکنون، تحقیقی در خصوص راهبردهای مخالفت در بین زنان و مردان فارسی‌زبان انجام نگرفته است.

۳. روش تحقیق

جلسات بحث‌های گروهی که به صورت آزاد و با شرکت دانشجویان داوطلب به عنوان کار فوق برنامه درس نمایشنامه در دانشگاه اراک برگزار می‌گردید، و در آن دانشجویان دختر و پسر در حضور استاد درس در مورد نمایشنامه‌های برگزیده به بحث می‌پرداختند، با یک دستگاه ضبط MP3 ضبط گردید. یکی از محققان به عنوان شرکت کننده (استاد درس) در جلسه حضور داشت و همه دانشجویان، از ضبط مکالمات مطلع بودند. اولین جلسه ضبط شده، مورد استفاده قرار نگرفت تا تأثیر خودآگاهی احتمالی دانشجویان نسبت به حضور ضبط، در جلسات بعد کاهش یافته باشد (لباو^۱، ۱۹۷۲). دانشجویان در مورد جزئیات تحقیق اطلاعی نداشتند و فقط می‌دانستند مکالمات در راستای انجام تحقیقی در زمینه زبان‌شناسی ضبط می‌شود. تعداد دانشجویان شرکت کننده در هر جلسه بین ۱۲ تا ۱۵ نفر بود، از نظر توزیع جنسیتی تقریباً برابر بودند و بین ۲۳ تا ۲۸ سال سن داشتند.

داده‌ها، پس از ضبط، به صورت مکتوب نوشته شد و موارد ابراز نظر مخالف به تفکیک جنسیت فرد مخالفت کننده و مخالفت‌شونده شناسایی گردید و سپس با توجه به مدل براون و لوینسن (۱۹۸۷) و چارچوب پیشنهادی ریز-میلر (۲۰۰۰) نوع نشانگرهای زبانی مخالفت

¹ Labov

مشخص گردید. موارد مخالفت استاد-دانشجو و بالعکس، به دلیل تأثیر عامل قدرت در تحلیل داده‌ها مورد بررسی قرار نگرفت. برای بررسی معناداری تفاوت‌های مشاهده شده از نظر علم آمار، از آزمون χ^2 با سطح معناداری $p \leq 0.05$ استفاده شد. نتایج حاصل به تفصیل در زیر آمده است.

۴. نتایج و بحث

در چهار جلسه بررسی شده (مجموعاً ۲۸۰ دقیقه مکالمه)، ۴۷۷ مورد مخالفت با به کارگیری ۶۷۴ نشانگر زبانی شناسایی شد. تعداد ۱۰۴ مورد از مخالفت‌ها بین استاد-دانشجو و دانشجو-استاد رخ داد و از آنجا که در رابطه استاد-دانشجو، عامل قدرت دخیل است این مخالفت‌ها بیرون از حیطه بحث این مقاله می‌باشد. فهرست راهبردها و بسامد هر یک در جدول ۱ آورده شده است:

جدول ۱: توزیع و معناداری راهبردهای مخالفت بین دختران و پسران فارغ از جنس مخاطب

P	دختران	پسران	کل	راهبردها	نوع نشانگرها	تعدیل مخالفت
۰,۰۵	۱۳	۲۵	۳۸	«مای فراگیر	وجهه ایجابی	
۰,۰۸۴	۱۳	۱۴	۲۷	موافقت صوری		
۰,۰۲	۲	۱۰	۱۲	طنز		
۰,۰۱	۲۸	۴۹	۷۷	جمع		
۰,۱۲	۲۵	۳۷	۶۲	فکر می‌کنم/به نظر من	وجهه سلبی	
۰,۰۸۷	۲۲	۲۱	۴۳	پرسش		
۰,۱۲	۷	۱۴	۲۱	کاهنده‌ها		
۰,۴۳	۶	۹	۱۵	ساخت‌های غیر شخصی		
۱,۰۰	۶	۶	۱۲	قاعده کلی		
۰,۷۳	۴	۵	۹	فروتنی		
۰,۰۸۴	۷۰	۹۲	۱۶۲	جمع		

P	دختران	پسران	کل	راهبردها	نوع نشانگرها
۰,۵۳	۱۰	۱۳	۲۳	پرسش انکاری	تشدید مخالفت
۰,۰۱	۱۰	۲۵	۳۵	تشدیدگرها	
۰,۰۷	۱۱	۲۱	۳۲	«تو/شما»ی امری/اتهام آمیز	
۰,۰۰	۰	۱۰	۱۰	واژگان قضاوت آمیز	
۰,۰۰	۳۱	۶۹	۱۰۰	جمع	
۰,۳۲	۴۷	۵۷	۱۰۴	جمله متناقض	نه تعدیل و نه تشدید مخالفت
۰,۳۸	۲۹	۳۶	۶۵	توضیح	
۰,۱۹	۷۶	۹۳	۱۶۹	جمع	
۰,۰۰	۲۰۵	۳۰۳	۵۰۸	جمع کل	

۳۷۳ مورد مخالفت با به کارگیری ۵۰۸ نشانگر توسط دانشجویان در مخالفت با یکدیگر استفاده شد. از این بین، به طور کلی و فارغ از تأثیر عامل جنسیت، نشانگرهای تعدیل بالاترین تعداد را داشت (۲۳۹ نشانگر) و از این تعداد ۱۶۲ مورد ابزارهای حفظ وجهه سلبی و ۷۷ مورد ابزارهای حفظ وجهه ایجابی بود. تشدید مخالفت در ۱۰۰ مورد رخ داد. در ۱۶۹ مورد نیز دانشجویان با استفاده از راهبردهای عدم تعدیل یا تشدید شدت تهدید وجهه مخالفت نمودند.

بسامد بسیار بیشتر ابزارهای توجه به وجهه سلبی (بیش از ۲ برابر ابزارهای حفظ وجهه ایجابی) نشان می‌دهد که در جلسات بحث گروهی، دانشجویان مراقب احساس استقلال و نیاز به آزادی عمل (در این جا، آزادی بیان) یکدیگر بوده‌اند. این وضعیت، بنا به نظر اسکالن و اسکالن^۱ (۲۰۰۱: ۵۴) قابل پیش‌بینی و ویژگی گفتمان افرادی است که از نظر منزلت و قدرت برابرند ولی از نظر همبستگی یا میزان صمیمیت با یکدیگر فاصله دارند. در بافت جلسات بحث آزاد کلاسی، اکثر دانشجویان با یکدیگر آشنایی نسبی داشته و مدت سه سال و نیم با هم در ارتباط بوده‌اند و نمی‌توان آنها را ناآشنا در نظر گرفت. اما احتمالاً آنچه

¹ Scollon & Scollon

سبب شده بیشتر همچون افراد بیگانه مخالفت کنند، رسمی بودن بافت از نظر موضوع و حضور استاد است. بافت جلسات بحث گروهی، در درون بافت بزرگ‌تر دانشگاه قرار دارد و در نظر بیمن^۱ (۱۹۸۶) جزو موقعیت‌های بیرون یا ظاهر در فرهنگ ایرانی محسوب می‌گردد. از همین رو، به کارگیری کمتر ابزارهای صمیمیت و همبستگی و وجهه‌ایجایی از سوی شرکت‌کنندگان، توجیه‌پذیر است. همین دانشجویان در بافتی متفاوت (حسینی ۱۳۸۸) یا در غیاب استاد، ممکن است راهبردهای دیگری برای مخالفت انتخاب نمایند.

۴. ۱. جنسیت

به‌رغم برابر بودن تعداد دانشجویان دختر و پسر، پسرها بیش از دخترها صحبت کردند و تعداد مخالفت‌هایی که ابراز کردند، بیش از دختران بود (۲۱۱ در برابر ۱۶۲ مورد). در به کارگیری تعداد راهبردها نیز تفاوت دختران و پسران معنادار است (جدول ۱). پسرها، مجموعاً از ۳۰۳ راهبرد و دخترها، از ۲۰۵ راهبرد استفاده نمودند ($p=0.00$). این تفاوت، با توجه به اختلاف تعداد مخالفت‌ها، قابل پیش‌بینی است. هلمز (۱۹۹۵: ۴۳-۳۲) تحقیقاتی را گزارش می‌کند که در آنها نشان داده شده در موقعیت‌ها و بافت‌های عمومی و رسمی مختلط، مردان بیش از زنان صحبت می‌کنند و به ابراز نظر می‌پردازند. او نشان می‌دهد که به‌طور کلی در سمینارهای دانشگاهی که سخنران آن زن باشد، یا تعداد زنان بیش از مردان باشد و یا موضوع بحث در حیطه تخصص آنان باشد، زنان بیش از مردان صحبت می‌کنند اما در سایر موارد، مردان بیش از زنان صحبت می‌نمایند. اسکالن و اسکالن (۲۰۰۱: ۲۴۵) نیز در گزارش خود از تفاوت گفتمان مردان و زنان در جلسات اداری مختلط و کلاس‌های درس دانشگاه، بیان می‌دارند که در این گونه بافت‌های موقعیتی، بیشتر صحبت‌ها را مردان انجام می‌دهند و هر بار طولانی‌تر از زنان حرف می‌زنند. جان‌نژاد (۱۳۸۱) در تحقیقی بر روی میزان کلام زنان و مردان در گفتگو در مورد موضوعات مختلف، نشان داده که هر چند به‌طور کلی، و برخلاف باور عموم، مردان بیش از زنان صحبت می‌کنند اما این مسأله، مطلق نیست و میزان کلام مردان و زنان بسته به موضوع بحث، تغییر می‌کند. وی نشان

^۱ Beeman

می‌دهد که در موضوعاتی همچون «خانواده و تعلیم و تربیت» و «هنر و ادبیات»، زنان بیش از مردان صحبت می‌کنند اما در سایر موضوعات، میزان کلام مردان بیش از زنان است. به عبارت دیگر، به طور کلی، در گروه‌های مختلط، سلطه و چیرگی مردان بر جلسات بیشتر است (فرکلاف^۱، ۲۰۰۱؛ رملینگر^۲، ۲۰۰۵). هلمز (۱۹۹۵: ۳۷) و تانن (۱۹۹۰) معتقدند در موقعیت‌هایی که امکان ارتقای جایگاه و منزلت وجود داشته باشد، مردان بیش از زنان در گفتگو مشارکت می‌کنند. به همین دلیل است که در مکان‌های عمومی همچون کلاس درس، مردان بیش از زنان صحبت می‌کنند. بر همین اساس، می‌توان گفت پسران، احتمالاً برای کسب منزلت و اعتبار، بیش از دختران در بحث‌ها مشارکت نموده‌اند.

در به‌کارگیری نشانگرهای تعدیل مخالفت و در ریز راهبردهای حفظ وجهه سلبی، تفاوت معناداری بین دختران و پسران مشاهده نشد. در بسامد به‌کارگیری راهبردهای عدم تعدیل یا تشدید نیز تفاوت‌ها معنادار نبود اما پسران از نشانگرهای حفظ وجهه ایجابی بیش از دختران استفاده نموده‌اند ($p=0.017$). با بررسی ریزانواع راهبردهای حفظ وجهه ایجابی که پسران به‌کار برده‌اند، می‌بینیم که بیشترین تفاوت در میزان به‌کارگیری راهبردهای حفظ وجهه ایجابی توسط دختران و پسران در استفاده از راهبردهای طنز و «ما»ی فراگیر^۳ مشاهده می‌گردد (در مورد کاربردهای «ما» نک علی‌نژاد، ۱۳۸۴). پسران در ۱۰ مورد و دختران تنها در ۲ مورد از راهبرد طنز برای تعدیل مخالفت استفاده نموده‌اند. با توجه به این که عمده موارد استفاده از طنز، برای تعدیل مخالفت توسط پسران در مخالفت پسر-پسر استفاده شده در بخش ۲،۴ به بررسی دقیق‌تر آن می‌پردازیم.

پسران تقریباً دو برابر دختران از راهبرد «ما»ی فراگیر استفاده نموده‌اند ($p=0.05$). به بیان دیگر، پسران، بیش از دختران تمایل داشته‌اند که مخالفت خود را با ابزاری تعدیل نمایند که با قراردادن آنان و مخاطب در یک گروه احساس برابری ایجاد می‌کند. استفاده از ابزارهای حفظ وجهه ایجابی در جایی که دوطرفه نباشد، خود از ابزارهای اعمال قدرت از سوی افراد قدرتمند به حساب می‌آید (اسکالن و اسکالن، ۲۰۰۱: ۵۶). بنا به نظر اسکالن

¹ Fairclough

² Remlinger

³ inclusive

و اسکالن (۲۰۰۱: ۲۵۷) وقتی مردان از ابزارهای ادب مشارکت، هم‌ارز با وجهه ایجابی در مدل براون و لوینسن، استفاده می‌کنند زنان این استفاده از ابزارهای حفظ وجهه ایجابی را تلاش آنان برای اعمال سلطه و قدرت تلقی می‌کنند.

تفاوت استفاده دختران و پسران از نشانگرهای تشدید مخالفت نیز معنادار است به گونه‌ای که دختران از راهبرد واژگان قضاوت‌آمیز اصلاً استفاده نکرده‌اند و راهبرد استفاده از تشدیدگر را کمتر از پسران به کار برده‌اند. استفاده از راهبردهای تشدید مخالفت، می‌تواند نشانه صراحت و ستیزه‌جویی بیشتر پسران نسبت به دختران باشد.

۴. ۲. مخالفت با هم‌جنس

همان‌گونه که در جدول ۲ می‌توان دید، دانشجویان دختر، ۳۷ بار و با استفاده از ۵۲ راهبرد با یکدیگر مخالفت نمودند. این تعداد کمترین تعداد در مقایسه با مخالفت پسران با یکدیگر و مخالفت دختر-پسر و بالعکس (جدول ۴) است، چرا که پسران ۹۱ بار و با استفاده از ۱۳۰ راهبرد با هم‌جنس خود مخالفت نمودند. به عبارت دیگر، دختران ترجیح داده‌اند کمتر با هم‌جنسان خود و بیشتر با جنس مخالف مخالفت کنند اما پسران، علاوه بر مخالفت با دختران، با یکدیگر نیز مخالفت‌های زیادی کرده‌اند. دلیل این که دختران با هم کمتر مخالفت نموده‌اند، شاید احساس همبستگی بیشتری باشد که با یکدیگر دارند (لیکاف، ۱۹۷۵، تانن، ۱۹۹۴). هلمز (۱۹۹۵: ۶۰) نیز گزارش تحقیقاتی را می‌آورد که طبق آنها زنان، چه در موقعیت‌های تماماً زنانه و چه در بافت‌های مختلط، تمایل دارند با یکدیگر موافقت نمایند تا مخالفت.

جدول ۲: توزیع و معناداری نشانگرها در مخالفت با هم‌جنس

عدم تعدیل یا تشدید مخالفت	تشدید مخالفت	تعدیل مخالفت		تعداد راهبرد	تعداد مخالفت	
		وجهه سلبی	وجهه ایجابی			
۲۶	۵	۱۴	۷	۵۲	۳۷	دختر-دختر
۴۳	۲۳	۳۹	۲۵	۱۳۰	۹۱	پسر-پسر
۰٫۰۴۱	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۰	۰٫۰۰۰	P

در تعداد و نوع راهبردها (جدول ۳) نیز بین مخالفت دختر-دختر و پسر-پسر تفاوت‌ها معنادار است. به عبارت دیگر، دختران با دختران و پسران با پسران به یک میزان و یک شیوه مخالفت نموده‌اند. معنادارترین تفاوت‌ها، یکی در به کار رفتن دو راهبرد طنز و واژگان قضاوت‌آمیز توسط دختران دانشجو و به کارگیری آنها فقط توسط پسران در مخالفت با هم‌جنس می‌باشد (به ترتیب ۹ و ۵ مورد). تفاوت مهم دوم این‌که ۵۰ درصد از مخالفت‌های بین دختران بدون استفاده از ابزارهای تعدیل یا تشدید انجام شده (۲۶ از ۵۲ مورد) ولی در میان پسران فقط در ۳۳,۰۷ درصد (۴۶ از ۱۳۰ مورد)، از مخالفت بدون تعدیل یا تشدید استفاده شده است ($p=0.041$) و در عوض، مخالفت با هم‌جنسان خود را بیشتر تعدیل یا تشدید کرده‌اند.

جدول ۳: توزیع راهبردهای مخالفت با توجه به جنس مخاطب

نوع مخالفت	راهبردها	کل	دختران	پسران	تفاوت	مخالفت تعدیل شده	
						وجهی	ایجابی
وجهی	"ما"ی فراگیر	۳۸	۴	۹	۱۰	مخالفت بدون تعدیل	یا تشدید
	موافقت صوری	۲۷	۳	۱۰	۶		
	طنز	۱۲	۰	۲	۹		
وجهی سلبی	فکر می‌کنم/به نظر من	۶۲	۵	۲۰	۱۶	مخالفت بدون تعدیل	یا تشدید
	پرسش	۴۳	۵	۱۷	۷		
	کاهنده‌ها	۲۱	۱	۶	۷		
	ساخت‌های غیرشخصی	۱۵	۱	۵	۵		
	بیان قاعده کلی	۱۲	۱	۵	۱		
مخالفت تشدید شده	فروتنی	۹	۱	۳	۳	مخالفت تشدید شده	یا تشدید
	پرسش انکاری	۲۳	۱	۹	۴		
	تشدیدگرها	۳۵	۲	۸	۱۰		
	"شما/تو"ی امری/اتهام‌آمیز	۳۲	۲	۹	۴		
مخالفت بدون تعدیل	واژگان قضاوت‌آمیز	۱۰	۰	۰	۵	مخالفت بدون تعدیل	یا تشدید
	بیان جمله نقض	۱۰۴	۱۷	۳۰	۲۶		
	توضیح	۶۵	۹	۲۰	۱۷		
جمع		۵۰۸	۵۲	۱۵۳	۱۷۳		

دلیل این که دختران، در نیمی از موارد، مخالفت با هم‌جنس را تعدیل یا تشدید نکرده‌اند، احتمالاً همبستگی و صمیمیتی است که با هم دارند زیرا به کارگیری کمترِ راهبردهای کاروجهه، عمدتاً بین افرادی معمول‌تر است که از نظر قدرت برابر و از نظر فاصله اجتماعی، یعنی صمیمیت و همبستگی، نزدیک‌تر باشند.

پسران، در مخالفت با هم‌جنس خود از راهبرد طنز زیاد استفاده کرده‌اند (۹ بار از مجموع ۱۱ بار)، حال آن که دختران، همان‌گونه که در بالا اشاره شد، این دو راهبرد را در مخالفت با یکدیگر به کار نبرده‌اند. استفاده موفق از راهبرد طنز، نیازمند اطلاعات پیش‌زمینه‌ای مشترک است و برانگیختن همین اطلاعات، احساس همبستگی ایجاد می‌نماید. استفاده بیشتر پسران از این راهبرد نسبت به دختران می‌تواند در راستای احساس قدرت بیشتر و تلاش برای کسب منزلت بالاتر تغییر شود چرا که، اولاً، طنز در بسیاری بافت‌ها، قلمرو اختصاصی مردان به حساب آمده و استفاده زنان از آن با محدودیت‌هایی همراه بوده است (کوته‌اف^۱، ۲۰۰۶؛ شنور^۲ و هلمز، ۲۰۰۹). ثانیاً، طنز، راهبردی مخاطره‌آمیز است و در صورت عدم موفقیت می‌تواند باعث از دست رفتن وجهه گردد (بل^۳، ۲۰۰۹)؛ اما استفاده به‌جای آن، باعث ارتقاء وجهه گوینده می‌گردد. این مسأله، مؤید فرضیه هلمز است که می‌گوید مردان برای کسب اعتبار و منزلت صحبت می‌کنند (هلمز، ۱۹۹۵: ۶۴). این که پسران، فقط در مخالفت با هم‌جنسان خود، از طنز استفاده نموده‌اند شاید به همان دلیل مخاطره‌آمیز بودن این راهبرد باشد زیرا استفاده ناموفق از طنز در برابر جنس مخالف، تهدید وجهه شدیدتری برای استفاده‌کننده از این راهبرد محسوب می‌شود تا در برابر هم‌جنس.

این که پسران از راهبرد واژگان قضاوت‌آمیز استفاده کرده‌اند نیز می‌تواند حاکی از ستیزه‌جویی و خشونت‌طلبی آنان در مقایسه با دختران باشد؛ به‌ویژه این که سایر موارد به کارگیری این راهبرد، نیز فقط توسط پسران و در مخالفت با دختران استفاده شده است.

¹ Kotthoff

² Schnurr

³ Bell

۳.۴. مخالفت با جنس مخالف

براساس جدول ۴، در تعداد مخالفت‌ها و راهبردهایی که پسران و دختران در مخالفت با جنس مخالف به کار برده‌اند تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود. هم‌چنین، در بین دخترها و پسرها، مخالفت تعدیل‌شده بالاترین بسامد را داشته است و هر دو، به یک اندازه از راهبردهای حفظ وجههٔ ایجابی و سلبی استفاده کرده‌اند. این در حالی است که در تحقیقات گوناگون نتیجه گرفته شده که دختران، به استفاده از ابزارهای حفظ وجههٔ ایجابی (هلمز، ۱۹۹۵) یا راهبردهایی که نشانگر صمیمیت هستند (لیکاف، ۱۹۷۵)، تمایل دارند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، علت این امر، ویژگی‌های بافت موقعیتی جلسات بحث است. بنابراین، می‌توان گفت که یافته‌های هلمز (۱۹۹۵) در مورد زنان نیوزیلندی و گفته‌های لیکاف (۱۹۷۵) در مورد زنان سفیدپوست طبقهٔ متوسط در آمریکا، مبنی بر این که زنان به استفاده از ابزارهای صمیمیت و احترام به وجههٔ ایجابی تمایل دارند، در مورد دختران دانشجوی فارسی‌زبان در بافت موقعیتی جلسات بحث گروهی در کلاس درس قابل تعمیم نیست. هم‌چنین، می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً بافت موقعیتی، عاملی مهم‌تر و تأثیرگذارتر نسبت به جنس مشارکان در تعامل است.

جدول ۴: فراوانی و معناداری راهبردهای مخالفت با جنس مخالف

عدم تعدیل یا تشدید مخالفت	تشدید مخالفت	تعدیل مخالفت		تعداد راهبرد	تعداد مخالفت	
		وجهه سلبی	وجهه ایجابی			
۵۰	۲۶	۵۶	۲۱	۱۵۳	۱۲۵	دختر-پسر
۵۰	۴۶	۵۳	۲۴	۱۷۳	۱۲۰	پسر-دختر
۱,۰۰۰	۰,۰۱۸	۰,۷۴۴	۰,۶۵۵	۰,۲۶۸	۰,۷۴۹	P

تنها تفاوت معنادار بین پسران و دختران را در استفاده از ابزارهای تشدید مخالفت می‌توان مشاهده نمود. پسران، از ابزارهای تشدید مخالفت بیش از دختران استفاده نموده‌اند ($p=0.018$). دختران، هرگز از واژگان قضاوت‌آمیز استفاده نکرده‌اند حال آن‌که، پسران،

این راهبرد را ۵ بار در مخالفت با دختران (و ۵ بار در مخالفت با پسران) به کار برده‌اند. هلمز (۱۹۹۵: ۴۷-۴۶) گزارش می‌دهد که در مشاهدات وی، مردان از راهبردهای ستیزه-جویانه^۱ بیش از زنان استفاده کرده‌اند و نتیجه می‌گیرد که زنان، مؤدب‌تر از مردان هستند. به کارگیری این گونه راهبردها توسط پسران، می‌تواند به‌عنوان تلاش آنان برای اعمال قدرت و تسلط بر فضای بحث تعبیر گردد. گرایش دختران به اجتناب از ابزارهای تشدید مخالفت، را می‌توان تمایل آنان به رعایت هنجارهای زبانی مؤدبانه و صورت‌های زبانی با پرستیژ اجتماعی تعبیر نمود، تمایلی که در تحقیقات مختلف به آن اشاره شده است (مثلاً هلمز، ۱۹۹۵؛ لیکاف، ۱۹۷۵، نوشین ۱۳۸۶، ترادگیل ۱۳۶۷). این تفسیر، زمانی معنادارتر می‌گردد که عدم استفاده از راهبردهای تشدید مخالفت را، در حقیقت، صورت‌هایی بدانیم که در آنها صراحت کمتری به کار می‌رود و مشارکت کمتر در مسائل اجتماعی را به دنبال دارد. البته این گونه نبوده که دختران از راهبردهای تشدید مخالفت استفاده نکنند، بلکه در ۳۱ مورد، مخالفت خود را تشدید نموده‌اند که از این تعداد، ۵ مورد در مخالفت با دختران و ۲۶ مورد در مخالفت با جنس مخالف به کار رفته است. مخالفت بیشتر دختران با پسران (و نه با دختران) و نیز به کارگیری راهبردهای تشدید مخالفت توسط آنان در برابر پسران، می‌تواند ناشی از احساس نابرابری جنسیتی آنان (دهنوی و معیدفر، ۱۳۸۴) باشد و به‌عنوان کوششی برای به‌دست آوردن قدرت بیشتر در مقایسه با پسران تفسیر شود (سراج‌زاده و جواهری، ۱۳۸۵).

این یافته که استفاده دختران و پسران از راهبردهای تعدیل مخالفت، اعم از راهبردهای حفظ وجهه ایجابی و سلبی، و راهبردهای عدم تعدیل یا تشدید تفاوت چندان با هم نداشته و از نظر آماری معنادار نیست، احتمالاً تأکیدی است بر این موضوع که از نظر دانشجویان، در کلاس درس، آنچه اهمیت بیشتری دارد تراکنش^۲ و انتقال اطلاعات است نه برهم کنش^۳ (براون و یول، ۱۹۸۳: ۱). مشابه این یافته در مورد تعامل استاد-دانشجو و

^۱ antagonistic

^۲ transaction

^۳ interaction

دانشجو-استاد در جلسات دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد، که در آن رابطه قدرت برجسته است، نیز گزارش شده است (حسینی، ۱۳۸۸).

۴.۴. مقایسه مخالفت با هم‌جنس و با جنس مخالف

از مقایسه مخالفت دختران و پسران با هم‌جنسان خود و مخالفت آنان با جنس مخالف نیز نتیجه جالب توجهی به دست می‌آید. همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، بین دختران و پسران در به‌کارگیری تعداد مخالفت‌ها و تعداد راهبردها، با توجه به جنس مخاطب، تفاوت‌ها معنادار است. پسران، تنها هنگام استفاده از راهبردهای تشدید مخالفت، نسبت به جنس مخاطب حساسیت نشان داده‌اند و از این دسته راهبردها بیشتر با هم‌جنسان خود استفاده کرده‌اند تا با جنس مخالف.

جدول ۵: مقایسه نشانگرهای مخالفت با جنس مخالف و مخالفت با هم‌جنس به تفکیک دختر و پسر

عدم تعدیل یا تشدید مخالفت	تشدید مخالفت	تعدیل مخالفت		تعداد راهبرد	تعداد مخالفت		
		وجهه سلبی	وجهه ایجابی				
۵۰	۲۶	۵۶	۲۱	۱۵۳	۱۲۵	دختر-پسر	دختران
۲۶	۵	۱۴	۷	۵۲	۳۷	دختر-دختر	
۰,۰۰۶	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۸	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	P	
۵۰	۴۶	۵۳	۲۴	۱۷۳	۱۲۰	پسر-دختر	پسران
۴۳	۲۳	۳۹	۲۵	۱۳۰	۹۱	پسر-پسر	
۰,۴۶۸	۰,۰۰۶	۰,۱۴۴	۰,۸۸۶	۰,۰۱۴	۰,۰۴۶	P	

در سایر نشانگرها، پسران، تفاوت معناداری بین هم‌جنس و جنس مخالف قائل نشده‌اند. برعکس، دختران، در به‌کارگیری همه انواع نشانگرها، نسبت به جنس مخاطب تمایزاتی قائل شده‌اند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت دختران، هنگام انتخاب شیوه بیان مخالفت، توجه بیشتری به جنس مخاطبشان دارند تا پسران. این‌که پسران، کمتر به جنس مخاطب

توجه نشان می‌دهند، احتمالاً به این دلیل است که در فضاهای اجتماعی و عمومی گفتمان مردان گفتمان غالب و هنجارین به حساب می‌آید ولی گفتمان زنان، گفتمانی حاشیه‌ای است (اسپندر، ۱۹۸۰). به همین دلیل، دختران، در فضاهای عمومی خود آگاهی بیشتری نسبت به زبان خود دارند و برای پذیرفته شدن و ورود به گفتمان اجتماعی بیشتر می‌کوشند خود را با هنجارهای زبانی رایج (که همان گفتمان مردانه است) هماهنگ نمایند. شاید به این دلیل است که دختران، در مخالفت با پسران، از راهبردهای تشدید مخالفت بیشتر استفاده کرده‌اند و از ابزارهای سلبی و ایجابی حفظ وجهه در برابر پسران همچون جنس مخالف خود بهره گرفته‌اند. به عبارت دیگر، دختران، با به کارگیری ابزارهای تشدید و تعدیل و در همسانی با گفتمان پسران، کوشیده‌اند گفتمانی هم‌راستا با گفتمان رایج برگزینند.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی به نکات ذیل می‌توان اشاره نمود: اول، پسران، در جلسات بحث گروهی، قدرت بیشتری اعمال نمودند و این کار را با مخالفت بیشتر و با تشدید مخالفت‌ها انجام دادند. این یافته‌ها با یافته‌های سایر محققان در سایر فرهنگ‌ها همسو است و نشان‌دهنده تمایل پسران و مردان به تفوق و سلطه در جلسات عمومی مختلط است. دوم، تعدیل مخالفت در جلسات بحث، رایج‌ترین راهبرد در بین پسران و دختران بود. از بین راهبردهای تعدیل مخالفت، راهبردهای وجهه سلبی، بسامد بالاتری داشت که نشان‌دهنده مهم‌تر بودن وجهه سلبی و وجهه‌خواست استقلال و آزادی عمل افراد است اما، بین پسران و دختران، از این لحاظ تفاوت معناداری وجود نداشت. یعنی دختران و پسران، هر دو، به احترام به وجهه‌خواست یا نیاز به آزادی بیان یکدیگر توجه نشان دادند. سوم، دختران، با استفاده از ابزارهای تشدید مخالفت، به کارگیری راهبردهای تعدیل و راهبردهای عدم تعدیل یا تشدید مخالفت همچون پسران، کوشیدند با گفتمان غالب و هنجارین خود را هماهنگ سازند. اما در هر حال، پسران، سلطه‌جو تر از دختران و دختران، کماکان مساوات‌طلب‌تر از پسران ظاهر شدند چرا که دختران، مخالفت کمتری با یکدیگر کردند، و از راهبردهای تشدید

مخالفت و ابزارهای ستیزه‌جویی کمتر استفاده نمودند. هم‌چنین، دختران، در انتخاب راهبردهای مخالفت نسبت به مخاطب حساسیت بیشتری از خود نشان دادند که می‌تواند نتیجه کوشش آنان برای همسویی با گفتمان مردانه و تلاش برای کسب موقعیت اجتماعی برابر با پسران باشد.

از نتایج پژوهش حاضر در چندین حوزه می‌توان استفاده نمود، از جمله در کلاس‌های دانشگاهی و در مطالعات فرهنگی. با توجه به این که کلاس‌های درس دانشگاهی به‌صورت مختلط تشکیل می‌شود، نتایج به‌دست آمده می‌تواند به مدرسان و استادان این کلاس‌ها کمک کند شناخت دقیق‌تری از شیوه تعامل دانشجویان دختر و پسر به دست آورند. بی‌تردید، چنین شناختی در هدایت بهتر بحث‌ها به کار خواهد آمد. علاوه بر این، نتایج به‌دست آمده به درک روشن‌تر گفتمان دختران و پسران دانشجو در جامعه در حال گذار ایران یاری می‌رساند. با مطالعه رویه‌های گفتمانی رایج در جامعه معاصر، مسیرهای احتمالی آینده گفتمان‌ها را می‌توان پیش‌بینی و برای آن برنامه‌ریزی نمود.

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که پژوهش حاضر بر روی دانشجویان رشته زبان و ادبیات انگلیسی انجام شد و همین مسئله به‌زعم برخی پژوهشگران، ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج را به سایر دانشجویان فارسی‌زبان محدود نماید. البته، به نظر نگارندگان، نمی‌توان گفتمان دانشجویان این تحقیق را جدای از سایر رویه‌های گفتمانی در میان دانشجویان دانست و تنها ممکن است تفاوت‌های جزئی بین این دانشجویان و دانشجویان سایر رشته‌ها در شیوه‌های بیان مخالفت وجود داشته باشد. از همین رو، پیشنهاد می‌شود تحقیقات مشابهی بر روی دانشجویان سایر رشته‌ها، حتی به تفکیک حوزه‌های علوم انسانی، هنر، علوم پایه، مهندسی و پزشکی انجام گیرد. هم‌چنین، انجام تحقیقات مشابهی با داده‌های واقعی، و نه پرسشنامه‌ای، بر روی سایر کارگفت‌ها، مثل تقاضا، پوزش، دعوت، و غیره، با توجه به جنسیت می‌تواند راه‌گشای درک و شناخت دقیق‌تر از دو جنس باشد. انجام تحقیقات در زمانی و مقایسه رفتار زبانی دانشجویان در بدو ورود به دانشگاه و هنگام فارغ‌التحصیلی نیز پیشنهاد می‌شود.

منابع

- استاجی، اعظم، اخلاقی، الهام (۱۳۸۹). «مقایسه پاسخ زنان و کودکان ایرانی به توصیف و تمجید». زن در فرهنگ و هنر دوره ۲، شماره ۲. صص ۱۲۹-۱۱۵.
- امام، عباس (۱۳۷۴). «جنبه‌هایی از تفاوت رفتار کلامی زن و مرد در ایران: یک طرح اولیه». مجموعه مقاله‌های سومین کنفرانس زبان‌شناسی. ویراسته یحیی مدرسی و محمد دبیرمقدم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. صص ۲۰۴-۱۹۳.
- پاک‌نهاد جبروتی، مریم (۱۳۸۱). *فردستی و فرودستی در زبان*. تهران: گام نو.
- ترادگیل، پیتر (۱۳۶۷). *زبان‌شناسی اجتماعی: درآمدی بر زبان و جامعه*. ترجمه محمد طباطبایی. تهران: آگه.
- جان‌نژاد، محسن (۱۳۸۱). «تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در برخی موقعیت‌های تعامل مکالمه‌ای بر پایه میزان کلام». پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۱۲.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۸). «ادب و قدرت: نشانگرهای زبانی مخالفت در جلسات دفاع از پایان‌نامه». در *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال اول، شماره ۱، صص ۱۰۰-۷۹.
- داوری اردکانی، نگار و عطیه عیار (۱۳۸۷). «کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناسی جنسیت». فصلنامه کتاب *زنان*، شماره ۴۲، صص ۱۸۱-۱۶۲.
- دهنوی، جلیل و سعید معیذفر (۱۳۸۴). «بررسی رابطه احساس نابرابری جنسیتی و انگیزه تحرک اجتماعی در دختران دانشجو» *مطالعات زنان*، ۳ (۷)، صص ۷۵-۵۱.
- زاهدی، کیوان، حسن عشایری و فرشته رحیم‌زاده (۱۳۸۷). «تأثیر جنسیت بر درک نوای عاطفی گفتار» *پژوهش زبان‌های خارجی*، شماره ۵۰، صص ۶۶-۴۹.
- رهر، بهزاد، بهروز محمودی بختیاری و گیتی کریم‌خانلویی (۱۳۹۱). «رابطه جنسیت و قطع گفتار: بررسی جامعه‌شناختی» *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، ۳ (۱۲)، صص ۱۴۷-۱۳۵.
- سراج‌زاده، سیدحسین و فاطمه جواهری (۱۳۸۵). «برابری گرای جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای و نگرشی مرتبط با آن» *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۷ (۲)، صص ۴۰-۳.

علی‌نژاد، بتول (۱۳۸۴). "ما"ی تعاملی تجلی «خود» اجتماعی ایرانی". گرایش‌های نوین در زبان‌شناسی و آموزش زبان (جلد اول)، مجموعه مقالات ارائه شده در اولین همایش زبان‌شناسی و آموزش زبان در ایران. تهران: سمت. صص ۲۷۷-۲۶۲.

کشاوری، محمدحسین (۱۳۷۱). «رابطه متقابل زبان و جامعه بر نقش اجتماعی ضمائر شخصی و صورت‌های خطاب»، مجله زبان‌شناسی، سال نهم، شماره ۱۸، صص ۴۰-۵۰.

نوشین، شکبیا (۱۳۸۶). «تأثیر بافت اجتماعی بر کاربرد دشواژه‌ها در گفتار زنان و مردان تهرانی». زبان و زبان‌شناسی، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، صص ۱۵۲-۱۴۱.

هدایت، ندا (۱۳۸۴). «تأثیر جنسیت بر نحوه بیان تقاضا (پژوهشی در حوزه جامعه‌شناسی زبان)». دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۴، صص ۴۰-۱۷.

Beebe, L. T. Takahashi (1989). "Do You Have a Bag?: Social Status and Patterned Variation in Second Language Acquisition". *Susan Gass. Carolyn Madden. Dennis Preston and Larry Selinker (Eds). Variation in Second Language Acquisition. Volume 1: Discourse and Pragmatics*. Clevedon: Multilingual Matters. PP.103-125

Beeman, W. O. (1986). *Language, Status, and Power in Iran*. Bloomington: Indiana University Press.

Bell, Nancy D (2009). "Impolite Responses to Failed Humor" in Neal R. Norrick and Delia Chiaro (Eds). *Humor in Interaction*. Amsterdam: John Benjamin. PP. 143-163

Brown, Penelope & Stephen C. Levinson (1978). "Universals in language usage: Politeness phenomena". In Esther Goody (Ed.) *Questions and Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press. PP. 56-311.

Brown, P, S.C. Levinson (1987). *Politeness: Some Universals in Language Usage*. Cambridge: Cambridge University Press.

Brown, P (1993). "Gender, politeness and confrontation in Tenejapa", Deborah Tannen (Ed), *Gender and Conversational Interaction*. New York. OUP. PP.144-162.

Brown, G, G, Yule (1983). *Discourse Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.

Cameron, D (2005). "Language, Gender and Sexuality: Current Issues and New Directions". *Applied Linguistics*. 26(4). PP.482-502.

- Christie, Ch (2000). *Gender and Language: Towards a Feminist Pragmatics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Clayman, S. E (2002). "Disagreements and third parties: dilemmas of neutralism in panel news interviews". *Journal of Pragmatics*. 34. PP.1385-1401.
- Eckert, P, S, McConnell-Ginet (1992). "Think Practically and Look Locally: Language and Gender as Community- Based Practice". *Annual Review of Anthropology*. 21. PP. 461-490.
- Eckert, P, S, McConnell-Ginet (2003). *Language and Gender*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Edstrom, A (2004). "Expressions of disagreement by Venezuelans in conversation: reconsidering the influence of culture". *Journal of Pragmatics*. 36. PP.1499-518.
- Fairclough, N (2001). *Language and Power* (2nd edn.). Harlow: Longman.
- Fishman, P (1980). "Conversational Insecurity". *Language: Social Psychological Perspectives*. Eds. Giles. Robinson. and Smith. Oxford: Pergamon. Reprinted in Deborah Cameron (Ed.) *The Feminist Critique of Language: A Reader*. (2nd ed). 1998. London: Routledge. PP. 253-258.
- Georgakopoulou, A (2001). "Arguing about the future: On indirect disagreement in conversations". *Journal of Pragmatics*. 33.PP. 1881-900.
- Geyer, N (2008) *Discourse and Politeness: Ambivalent Face in Japanese*. London: Continuum.
- Goffman, E (1967). *Interaction Ritual: Essays on Face-to-face Behavior*. New York: Pantheon Books.
- Grice, H. P (1969). "Utterer's meaning and intentions". *Philosophical Review*. 78(2). PP.147-77.
- Grice, H. P. (1975). "Logic and conversation". in Peter Cole and J. Morgan (Eds.). *Syntax and Semantics 3. Speech Acts*. New York: Academic Press. PP.4-58.
- Habib, R (2008). "Humor and disagreement: Identity construction and cross-cultural enrichment". *Journal of Pragmatics*. 40. PP.1117-1145.

- Heritage, J (2002). "The limits of questioning: negative interrogatives and hostile question content". *Journal of Pragmatics*. 34. PP. 1427-1446.
- Hobbs, P (2003). "The medium is the message: politeness strategies in men's and women's voice mail messages". *Journal of Pragmatics*. 35. PP. 243-262.
- Holmes, J (1995) *Women, Men and Politeness*. London and New York: Longman.
- Kakava, Ch, (2002). "Opposition in Modern Greek discourse: cultural and contextual constraints". *Journal of Pragmatics*. 34. PP.1537-1568.
- Kangasharju, H (2002). "Alignment in disagreement: forming oppositional alliances in committee meetings". *Journal of Pragmatics*. 34. PP. 1447-1471.
- Kotthoff, H (2006). "Gender and Humor: The state of the art". *Journal of Pragmatics*. 38. PP. 4-25.
- Labov, W (1972). "The logic of nonstandard English". in William Labov. *Language in the Inner City: Studies in the Black English Vernacular*. Philadelphia. PA: University of Pennsylvania Press. PP. 201-240.
- Lakoff, R (1975). *Language and Woman's Place*. New York: Harper & Row.
- Leech, G (1983). *Principles of Pragmatics*. London: Longman.
- Leech, G (2007). "Politeness: Is there an East-West Divide?" *Journal of Politeness Research*. 3. PP.167-206.
- Levinson, S. C (1983). *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Locher, M. A (2004). *Power and Politeness in Action: Disagreements in Oral Communication*. Berlin/New York: Mouton de Gruyter.
- McConnell-Ginet, S (2004) "Positioning Ideas and Gendered Subjects: 'Women's Language' Revisited". *Language and Woman's Place: Text and Commentaries*. Edited by Mary Bucholtz, Oxford: Oxford University Press. PP. 136-142.
- Mills, S (2003). *Gender and Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Mills, S (2005). "Gender and impoliteness". *Journal of Politeness Research*. 1. PP. 263-280.
- Rees-Miller, J (2000). "Power, severity, and context in disagreement" *Journal of Pragmatics*. 32. PP. 1087-1111.
- Remlinger, K (2005). "Negotiating the classroom floor: negotiating ideologies of gender and sexuality". In Michelle Lazar (Ed). *Feminist critical discourse analysis: gender, power and ideology in discourse*. New York: Palgrave MacMillan. PP. 114-138.
- Schnurr, S , J. Holmes (2009). "Using humor to do masculinity at work". in Neal R. Norrick and Delia Chiaro (Eds). *Humor in Interaction*. Amsterdam: John Benjamin. PP. 101-123.
- Scollon, R, S, Wong Scollon (2001). *Intercultural Communication: A Discourse Approach*. Oxford: Blackwell.
- Spender, D (1980). *Man Made Language*. London: Routledge and Kegan Paul. Extracts reprinted in Deborah Cameron (Ed.) *The Feminist Critique of Language: A Reader* (2nd ed). 1998. London: Routledge. PP. 93-99.
- Tannen, D (1984). *Conversational Style: Analyzing Talk among Friends*. Ablex Publishing Corporation.
- Tannen, D (1986). *That's Not What I Meant!: How Conversational Style Makes or Breaks Relationships*. NY: Ballantine.
- Tannen, D (1990). *You just Don't Understand: Women and Men in Conversation*. New York: William Morrow.
- Tannen, D (1994). *Gender and Discourse*. Oxford: OUP.
- Uchida, A (1992). "When 'difference' is 'dominance': A critique of the 'anti-power-based' cultural approach to sex differences" *Language in Society*. 21. PP.547-568. Reprinted in Deborah Cameron (Ed.) *The Feminist Critique of Language: A Reader* (2nd ed). 1998 London: Routledge. PP 280-292.
- Watts, R. J (2003). *Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press.